

آینده «برجام» در دولت ترامپ در گفت‌وگو با امیر حسین طاهری استاد دانشگاه

تلاش برای لغو برجام دیپلماسی آمریکا را منزوی می‌کند

سیاست‌های خارجی آمریکا را سیستم اداره می‌کند و نه رئیس جمهوری

[مهران خوارزمی] اجرای برجام ۲۶ دی ماه سال جاری در حالی یک ساله می‌شود که وقوع تغییر رسمی در دولت آمریکا در روزهای آینده بر نگرانی‌های پیش روی روند اجرای آن خواهد افزود. شعارهای ضد برجامی دونالد ترامپ در شرایطی که جمهوریخواهان مخالف برجام در سنا و مجلس نمایندگان اکثریت دارند بر احتمال نقض برجام و اعمال تحریم‌هایی علیه ایران افزوده است. با این حال اینکه این نگرانی‌ها و احتمالات تا چه حد واقعیت دارند و چه عناصر و عواملی دولت ترامپ را در مسیر بدعهدی یا پایبندی به برجام تقویت خواهند کرد، محور پرسش‌هایی است که با امیر حسین طاهری، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه خوارزمی در میان گذاشتیم. گفت‌وگویی که این محقق و پژوهشگر راهبردی در آن با اشاره به مؤلفه‌های داخلی و بین‌المللی مؤثر بر سیاست‌های کاخ سفید از ایده گذر برجام از دست انداز بدعهدی‌های احتمالی آمریکا دفاع کرد.



مهران خوارزمی

ترامپ و متحدان جمهوریخواه او در کنگره به «واقعیت‌های توافق هسته‌ای ایران» شده‌اند. از جمله دلایل این مخالفان نقض برجام از سوی ترامپ این است که این توافق مؤثر واقع شده و از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای جلوگیری کرده است و در صورت نقض برجام از سوی آمریکا، ایران از زیر بار تمام تعهداتش بیرون آمده و آزادانه به دنبال کسب سلاح هسته‌ای خواهد رفت.

مانع دیگر این است که این توافق فقط بین آمریکا و ایران نیست. توافق بین ایران و گروه ۵+۱ از جمله برخی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا است و خروج آمریکا به این معناست که باید کشورهای اروپایی، یاروسیه یا چین را که به توافق پایبند مانده‌اند، تحریم کند. مانع دیگر بر سر راه ترامپ این است که در شرایط کنونی نگاه و سیاست ضد برجام واقع‌بینانه و منطبق با منافع آمریکا و جهان نیست. لذا اعتقاد بر این است که با توجه به پایبندی ایران به تعهدات برجامی خود و توافق‌هایی که میان ایران و نهادهای اقتصادی بین‌المللی انجام شده، یقیناً تغییر در رهبران سیاسی ایالات متحده امریکانمی‌تواند تأثیری جدی در اجرایی شدن توافق داشته باشد. با این حساب، بدیهی است که تنها عامل تسهیل‌کننده جهت نقض برجام از سوی ترامپ، اثبات وقوع تخلف ایران از برجام است.

● **اینکه دولت ترامپ مایل به پایبندی به تعهداتی که او با مادر قالب برجام پذیرفته است نباشد، چه پیامدهایی برای این کشور دارد؟ این تعبیر که در صورت نقض برجام آمریکا منزوی خواهد شد، تا چه حد واقعی است؟**

تفاوت میان ترامپ و رؤسای جمهوری همچون کلinton و او باما به طور کلی تفاوت جمهوریخواهان و دموکرات‌ها یک واقعیت کتمان‌ناپذیر است. دموکرات‌ها عموماً سیاست‌های خود را حرفه‌ای‌تر دنبال می‌کنند و جمهوریخواهان صریح‌تر و خشن‌تر هستند. اما درباره سر نوشت برجام بعد از ریاست جمهوری ترامپ دو مانع اساسی در ضوابط حقوقی برای تحقق وعده ترامپ مبنی بر پاره کردن آن وجود دارد؛ اول اینکه برجام تعهد دولت آمریکا است و الزاماً ربط مستقیمی به او باما و ترامپ ندارد. از همین جهت بدنه کارشناسی دولت فدرال اجازه لغو آن توسط ترامپ را نخواهد داد. ثانیاً برجام توافقی دوجانبه میان آمریکا و ایران نیست و در آن کشور دیگر هم سهیم بودند. از همین حیث ضربه زدن مستقیم به برجام توسط ترامپ نه تنها زمینه لغو آن را فراهم نمی‌کند، بلکه بستر اتحاد آمریکا و شرکای غربی‌اش در این حوزه و ایجاد اختلافات جدید بین اروپا و آمریکا را فراهم می‌سازد. در واقع می‌توان گفت که انزوای آمریکایی از مهم‌ترین عواقب تصمیم ضد برجامی ترامپ خواهد بود و این مسأله‌ای است که افرادی مثل «ارنست مونیز» و زیرانرژی آمریکا و «نوام چامسکی» زانشناس و نظریه پرداز برجسته آمریکایی نیز به آن اشاره کرده‌اند. به طوری که مونیز ضمن تأکید بر اینکه قدرت‌های دیگر جهان مسیر واشنگتن را در این خصوص دنبال نمی‌کنند، گفته اگر دولت دونالد ترامپ تصمیم به کنار گذاشتن توافق هسته‌ای ایران بگیرد، آمریکا به لحاظ بین‌المللی منزوی می‌شود. چامسکی نیز تأیید کرده که ترامپ با لغو برجام آمریکا را به سوی انزوای بیشتر سوق خواهد داد. اگر چه آمریکا در حال حاضر به شکل قابل توجهی در جهان منزوی شده است. چنان که مخالفت کشورهای عضو پیمان منطقه‌ای شانگهای با عضویت آمریکا به عنوان عضو ناظر و تعهدات این سازمان بر اینکه آمریکا نباید پایگاه نظامی در کشورهای عضو داشته باشد و بیرون رانده شدن صندوق بین‌المللی پول (وابسته به وزارت خزانه‌داری آمریکا) از آمریکا جنوبی و نبودن هیچ پایگاه نظامی آمریکا در آمریکای جنوبی را باید از جمله نشانگان انزوای آمریکا در مناطق مختلف جهان ارزیابی کرد.

پدیده انزوای آمریکا در آسیا نیز در قالب فروپاشی عنقریب سیاست «چرخش به آسیا» یا او باما قابل مشاهده است. چنان که پیوستن متحدان آمریکا از پرو و استرالیا تا ژاپن به پیمان

عملی شدن دارد و نه وجهت حقوقی. نه تنها ترامپ بلکه هیچ فرد دیگری نمی‌تواند توافقی را که با توجه به قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت تثبیت شده، بر احتی نقض کند. مگر اینکه با بهانه‌های واهی در روند اجرای آن خلل ایجاد کند. حال آنکه این اقدام ترامپ هم با باز خورد منفی اروپایی‌ها در کنار ایران مواجه خواهد شد. چرا که برجام یک سند توافق چند جانبه بین‌المللی و نه دوجانبه است و آمریکای دوره ترامپ دیگر قادر نخواهد بود بسان گذشته با بهانه‌های واهی، اتحادی فراگیر علیه ایران شکل دهد. در واقع در یک نگاه کلی باید بگویم که به نظر می‌رسد ترامپ با عهده‌دار شدن مسئولیت ریاست جمهوری به مختصات این توافق (برجام) و تحولات سیاست خارجی آمریکا و قوف بیشتری خواهد یافت و مواضع عقلانی‌تری اتخاذ خواهد کرد.

● **احتمال تحقق شعار خروج آمریکا از برنامه جامع اقدام مشترک تا چه حد است؟ و با چه موانعی تا تسهیل‌کننده‌های احتمالی در درون و بیرون آمریکا مواجه است؟**

همان طور که گفتیم، اینکه ترامپ برجام را پاره یا نقض کند، بعید است ولی با توجه به مواضع انتخاباتی و بعد از آن می‌توان احتمال داد که این مخالفت یا خروج به صورت اقدامات ایذایی در شکل و قالب‌های مختلف مثل تصویب تحریم‌های جدید از سوی کنگره آمریکا تحت عناوین مختلف ظهور کند. ترامپ هم ممکن است برخی از این تحریم‌ها را تأیید و برخی دیگر را رد کند. اما از آنجا که هیچ رئیس جمهوری در تاریخ آمریکا به اندازه ترامپ ذهنیت اقتصادی نداشته، احتمال کمی هست که ترامپ بخواند از شرایط و موقعیت‌های اقتصادی ایران محروم بماند. در عین حال اگر ترامپ بخواند این مسأله را عملی سازد، یقیناً با موانعی جدی در درون و بیرون آمریکا مواجه است. به طوری که در کنار توصیه‌ها و هشدارهای او باما در خصوص ضرورت پایبندی آمریکا به برجام، موج مخالفان در داخل و خارج آمریکا نیز در خصوص مخالفت و هشدار نسبت به عواقب و پیامدهای چنین اقدامی فراگیر شده و خواهان توجه

● **ارزیابی‌تان از فراز و فرود مواضع رئیس جمهوری منتخب آمریکا درباره برجام چیست؟**

درست است که ترامپ در دوران مبارزات انتخاباتی خود برجام را یک «توافق بد» خواند و خواستار لغو آن شد و از پاره کردن برجام سخن گفت و با وجود نرمش او در مواضعش در روزهای اولیه بعد انتخابات موضع روشنی در خصوص برجام اتخاذ نکرد. ولی باید بدانیم که بدون شک بسیاری از شعارها و فراز و فرودهایی که در مواضع ترامپ دیده می‌شود، مربوط به جریان رقابت‌های انتخاباتی او بوده است. مضافاً اینکه آنچه او مطرح کرد، در همان ایام تبلیغات نیز با مخالفت بسیاری از چهره‌های جمهوریخواه روبه‌رو شد. در واقع با توجه به تجربه تاریخی باید بگویم که تحقق شعارها و وعده‌های انتخاباتی در مسیر اجرایی شدن با محدودیت‌های ساختاری روبه‌رو خواهد شد و این طور نیست که ترامپ بتواند همه مباحث مطرح شده در جریان رقابت را به عنوان اهداف سیاست داخلی و خارجی خود دنبال کند. چرا که سیاست‌های آمریکا در خارج از مرزهایش حاصل انتخاب‌های سیستماتیک است و این سیستم است که آمریکا را اداره می‌کند و نه یک رئیس جمهوری؛ چه جمهوریخواه باشد و چه دموکرات. بنابراین نباید شعارهای ترامپ را به بعد از ریاست جمهوری او تعمیم داد.

برای سیستم سیاسی آمریکا آنچه اهمیت بیشتری دارد، تأمین منافع آمریکاست. لذا این یک اشتباه محاسباتی است که تصور کنیم سیاست‌های آمریکا در دوران ترامپ دچار تغییرات اساسی می‌شود. اگر چه ممکن است شیوه‌هایی که او برای اجرای سیاست‌های اساسی آمریکایی می‌گیرد، متفاوت باشد. لذا از رئیس جمهوری جدید آمریکا که سال‌ها به عنوان یک «بیزینس من» موفق شناخته می‌شده، نباید انتظار دست زدن به اقدامات بدون محاسبه داشت. حرف‌های او تاکنون تنها یک بازار یابی سیاسی بوده و به احتمال زیاد در جریان عمل روی دیگر ترامپ در قالب یک فرد محاسبه‌گرو محتاط به روی صحنه خواهد آمد. از طرف دیگر نقض برجام نیز اقدامی است که نه امکان

از آنجا که هیچ رئیس جمهوری در تاریخ آمریکا به اندازه ترامپ ذهنیت اقتصادی نداشته، احتمال کمی هست که ترامپ بخواند از شرایط و موقعیت‌های اقتصادی ایران محروم بماند در عین حال اگر ترامپ بخواند از شرایط و موقعیت‌های اقتصادی ایران محروم بماند در عین حال اگر ترامپ بخواند از شرایط و موقعیت‌های اقتصادی ایران محروم بماند